

بدن، آزادی و هیولارگی

خوانش فلسفی فیلم «موجودات بیچاره»

Poor Things

علی آشوری



اما استون در فیلم «موجودات بیچاره»

درآمد

فیلم «موجودات بیچاره *Poor Things*» (۲۰۲۳) ساخته‌ی یورگوس لانتیموس، بر پایه‌ی رمانی از آلستر گری، یکی از متفاوت‌ترین روایت‌های سینمایی سال‌های اخیر است.^۱ اثری که در عین زیبایی بصری و روایتی سوررئال، پرسش‌هایی بسیار جدی درباره‌ی بدن، آزادی، آگاهی و مناسبات قدرت طرح می‌کند. لانتیموس با انتخاب یک داستان به‌ظاهر تخیلی و فانتزی، در واقع به سراغ یکی از بنیادی‌ترین پرسش‌های فلسفه و فرهنگ معاصر رفته است: چگونه سوژه‌ای که در ابتدا به‌مثابه ابژه‌ای در دست دیگری قرار گرفته، می‌تواند مسیر خودآگاهی و آزادی را طی کند و به بازنویسی بدن و ذهن خویش دست بزند؟

شخصیت اصلی فیلم، «بلا باکستر» (با بازی اما استون)، زنی است که با نوعی «باززایی علمی» به زندگی بازمی‌گردد؛ ترکیبی میان قصه‌ی فرانکشتاین مری شلی و بازنویسی مدرنیستی از اسطوره‌ی زن و بدن. بلا در آغاز کودک‌وار و بی‌خبر است، اما به تدریج وارد جهان تجربه، زبان، میل و آگاهی می‌شود. آنچه فیلم به‌دقت دنبال می‌کند، نه فقط روایت رشد یک شخصیت، بلکه نمایش فرآیند شکل‌گیری آگاهی است؛ فرآیندی که با تجربه‌ی رنج و لذت، سفر و مواجهه با جامعه، و در نهایت با بازتعریف آزادی گره می‌خورد.

در همین نقطه است که پیوند فیلم با سنت‌های فلسفی آشکار می‌شود. *Poor Things* را می‌توان در پرتو نظریه‌های ژولیا کریستوا درباره‌ی ابژکسیون و مادرانه، مفاهیم فوکویی درباره‌ی بدن و قدرت، خوانش دوبووار از «دیگری» بودن زن، نظریه‌ی پرفورماتیویته‌ی جودیت باتلر، و حتی دیالکتیک خودآگاهی هگل بازخوانی کرد. در سطح میان‌متنی، فیلم گفت‌وگویی است با فرانکشتاین مری شلی؛ اما این بار «هیولا» نه فردی مطرود، بلکه جامعه‌ای است که در هیولارواریِ مردسالار و دینی خود، بدن و ذهن زن را به اسارت گرفته است.

هدف این مقاله آن است که با بهره‌گیری از مفاهیم فلسفی و فمینیستی، فیلم *Poor Things* را به‌عنوان متنی پیچیده بخواند که از خلال روایت یک زن «باززاده»، ریشه‌های قدرت، دین، و مردسالاری را نقد می‌کند و آزادی را نه به‌مثابه مفهومی

انتزاعی، بلکه همچون تجربه‌ای زیسته، بدن‌مند و رهایی‌بخش بازتعریف می‌کند. در این مسیر، فیلم لانتیموس نه تنها بازخوانی مدرن فرانکشتاین است، بلکه نوعی «مانیفست فلسفی» درباره‌ی بدن و آزادی در جهان معاصر به‌شمار می‌آید.

کریستوا و ابژکسیون: بدن به‌مثابه مرز و رهایی

ژولیا کریستوا، فیلسوف و روان‌کاو فرانسوی، در کتاب *قدرت‌های وحشت: رساله‌ای در باب ابژکسیون* نشان می‌دهد که فرهنگ‌ها هویت خود را از طریق مرزبندی میان پاک/ناپاک، خودی/دیگری و انسانی/غیرانسانی می‌سازند. آنچه او ابژکسیون می‌نامد، دقیقاً همان چیزی است که در مرز این تمایزات قرار دارد: چیزی که نه کاملاً بیرون است و نه درون، نه سوژه است و نه ابژه. مایعی از بدن، لاشه، زهدان، خون و... نمونه‌هایی از آن‌اند.

در *Poor Things*، بدن بلا در ابتدای داستان دقیقاً چنین وضعیتی دارد. او موجودی است میان انسان و غیرانسان، میان کودک و زن، میان سوژه و ابژه. نگاه دیگران به او، نگاهی ابژکتیو است: دانش پزشکی می‌خواهد او را «شیء آزمایشگاهی» بداند؛ مردان پیرامونش می‌خواهند او را ابژه‌ی میل و لذت خود ببینند؛ جامعه می‌خواهد او را در جایگاه زن سنتی یا مادر فروبکاهد. اما بلا در طول داستان، به تدریج این وضعیت را واژگون می‌کند.

کریستوا می‌گوید ابژکسیون همواره با مرزها و قانون پدرانه پیوند دارد. نظم اجتماعی - دینی می‌کوشد آنچه «نامطلوب» است را طرد کند تا هویت خود را تثبیت نماید. بلا در آغاز ابژکتی طردشده است، اما فرآیند رشد او دقیقاً نوعی خروج از ابژکسیون و تبدیل شدن به سوژه است. او با تجربه‌ی بدن، لذت و میل، به تدریج نشان می‌دهد که مرزهای «پاک» و «ناپاک»، «مجاز» و «نامجاز»، چیزی جز سازه‌های مردسالار و دینی نیستند.

از منظر کریستوا، تجربه‌ی مادرانه مهم‌ترین عرصه‌ی ابژکسیون است؛ جایی که بدن زن همزمان سرچشمه‌ی زندگی و موضوعی برای طرد است. بلا نیز در تجربه‌ی مادری خود، این دوگانه را بازنویسی می‌کند: او مادر است، اما نه مادری اسیر قانون پدرانه،

بلکه مادری که انتخاب می‌کند، بازتعریف می‌کند و بدن خود را به منبع قدرت بدل می‌سازد.

در این خوانش، *Poor Things* نه صرفاً داستانی فانتزی، بلکه درام فلسفی خروج از ابژکسیون است: مسیری از «ابژه‌ی طردشده» به «سوژه‌ی آزاد».

زبان، میل و مادرانه: از سمیوتیک تا سمبولیک

کریستوا در آثارش، به‌ویژه در انقلابی در زبان شاعرانه، میان دو سطح از تجربه‌ی زبانی تمایز می‌گذارد: **سمیوتیک** و **سمبولیک**. سمیوتیک به قلمرو پیش‌زبانی، جسمانی، ریتمیک و پیوند با مادر اشاره دارد؛ جایی که هنوز قانون پدرانه و نظم زبان تثبیت نشده است. سمبولیک اما عرصه‌ی ساختارمند زبان، قانون، هنجار اجتماعی و «نام پدر» است.

بلا در آغاز فیلم، موجودی است که به‌نوعی در قلمرو سمیوتیک قرار دارد: او کودک‌وار، بی‌واژه و سرشار از لذت‌های جسمانی است. بدنش بیش از ذهن‌اش سخن می‌گوید، و ریتم تجربه‌ی او بیشتر به بدن و میل وابسته است تا به قانون اجتماعی. اما به تدریج وارد قلمرو سمبولیک می‌شود: او زبان می‌آموزد، قواعد اجتماعی را تجربه می‌کند و جایگاه خود را در نظم مردسالار می‌آزماید.

آنچه فیلم را فلسفی می‌کند، این است که بلا در این گذار، منفعل نیست. او صرفاً «درون» نظم سمبولیک جذب نمی‌شود، بلکه هر بار مرزهای آن را به چالش می‌کشد. برای نمونه، زمانی که از میل جنسی خود سخن می‌گوید یا آن را بی‌پروا زندگی می‌کند، درواقع زبان و قانون پدرانه را برهم می‌زند. زیرا زن، در منطق مردسالار سنتی، یا باید در مقام «مادر مقدس» قرار گیرد یا «معشوقه‌ی خاموش». بلا هیچ‌یک نیست؛ او با زبان و بدن خود روایت تازه‌ای می‌سازد.

کریستوا معتقد است که تجربه‌ی مادرانه می‌تواند لحظه‌ای انقلابی در زبان و سوژه باشد: زیرا مادر بودن مرزهای خود/دیگری، درون/بیرون را فرو می‌ریزد. بلا در تجربه‌ی مادری نیز چنین است. او مادری را به‌مثابه تقدیر نمی‌پذیرد؛ بلکه آن را انتخابی آزاد

می‌داند. این امر نشان می‌دهد که سمیوتیک و سمبولیک در او نه به صورت سلسله‌مراتبی، بلکه در تعاملی خلاق در جریان‌اند. فیلم لانتیموس در این سطح، تصویری سینمایی از نظریه‌ی کریستوا ارائه می‌دهد: بدن زن به مثابه عرصه‌ای که از دل آن زبان، میل و آگاهی می‌شکفت، اما نه در خدمت قانون پدرانه، بلکه علیه آن.

فمینیسم دوبووار: زن به مثابه دیگری

سیمون دوبووار در جنس دوم مشهورترین گزاره‌ی خود را بیان کرد: «زن، زن زاده نمی‌شود، بلکه ساخته می‌شود.» او نشان داد که فرهنگ مردسالار، زن را در جایگاه «دیگری» قرار داده است؛ موجودی که هستی‌اش نه به عنوان سوژه‌ی مستقل، بلکه در نسبت با مرد تعریف می‌شود.

«بلا» دقیقاً در این نقطه آغاز می‌کند: او برای دیگران است، ابرّه‌ای برای دانش پزشکی، لذت جنسی یا تقدیر اجتماعی. اما مسیر او، بازنویسی این «دیگری» بودن است. او با هر تجربه‌ی تازه (از سفر تا رابطه‌ی جنسی، از مواجهه با جامعه تا مادری)، از این جایگاه فاصله می‌گیرد و به تدریج سوژه‌ای مستقل می‌شود. در این معنا، فیلم تجسمی از جمله‌ی دوبووار است: زن ساخته می‌شود، اما می‌تواند خود را از نو بسازد.

فمینیسم باتلر: جنسیت به مثابه پرفورماتیو

جودیت باتلر در آشفتگی جنسیت نشان داد که جنسیت نه حقیقتی طبیعی، بلکه امری پرفورماتیو است: یعنی از طریق تکرار کنش‌ها و هنجارها ساخته می‌شود. زن یا مرد بودن محصول بازی‌های فرهنگی و اجتماعی است، نه تقدیری بیولوژیک. بلا این حقیقت را در عمل نشان می‌دهد. او با هر حرکت و تجربه‌ی جدید، هنجارهای جنسیتی را بازبازی می‌کند و برهم می‌زند. برای مثال، زمانی که از آزادی جنسی سخن می‌گوید، درواقع «قانون خاموشی» تحمیل شده بر زنان را می‌شکند. یا

وقتی در نقش مادر ظاهر می‌شود، مادری را نه به‌عنوان اسارت، بلکه به‌عنوان امکان تازه‌ای برای آزادی بازتعریف می‌کند.

از منظر باتلر، بلا سوژه‌ای است که پرفورماتیویته‌ی جنسیت را آشکار می‌کند: نشان می‌دهد که «زن بودن» امری از پیش تثبیت‌شده نیست، بلکه میدان بازآفرینی است. این همان چیزی است که فمینیسم موج سوم بر آن تأکید دارد: تنوع، آزادی‌های فردی و بازنویسی هویت از دل تجربه‌های زیسته.

فوکو: بدن، دانش و قدرت

میشل فوکو در آثارش بارها تأکید کرده است که بدن نخستین محل اعمال قدرت است. نهادهای مختلف - دین، علم، پزشکی، اخلاق و قانون - همگی بدن را به‌عنوان نقطه‌ی اصلی کنترل و نظم هدف می‌گیرند. بدن منضبط، بدن مطیع و بدن تحت نظارت، محصول این شبکه‌های قدرت است.

در *Poor Things*، بدن «بلا» دقیقاً چنین جایگاهی دارد. علم پزشکی (شخصیت گادوین باکستر) او را به‌مثابه ابژه‌ی آزمایشگاهی می‌بیند. مردان اطرافش بدن او را به ابژه‌ی لذت خود فرو می‌کاهند. جامعه بدن زن را یا در مقام مادر یا در مقام معشوقه‌ی خاموش می‌خواهد.

اما بلا این بدن را بازپس می‌گیرد. او از بدنش نه به‌عنوان محل انقیاد، بلکه به‌عنوان میدان مقاومت استفاده می‌کند. تجربه‌های جنسی او نه ابژه‌شدن، بلکه بازتعریف بدن به‌مثابه‌ی فضای آزادی است. بدن او از این منظر همان چیزی است که فوکو «نقطه‌ی مقاومت» می‌نامد: جایی که قدرت اعمال می‌شود، همان‌جا نیز مقاومت ممکن می‌گردد. فیلم لانتیموس نشان می‌دهد که چگونه بدن زن می‌تواند هم عرصه‌ی سلطه و هم عرصه‌ی آزادی باشد. بلا بدنش را از منطق قدرت بیرون می‌کشد و آن را به منبعی برای خودآیینی بدل می‌سازد.

هگل: دیالکتیک خودآگاهی و آزادی

هگل در *پدیدارشناسی روح* دیالکتیک مشهور «خدايان و بنده» را مطرح می‌کند: سوژه‌ای آگاه ابتدا خود را در نسبت با دیگری می‌شناسد. او برای دیگری است، ابژه‌ای برای میل و نگاه دیگری. اما در روند دیالکتیکی، به خودآگاهی می‌رسد و از ابژه‌بودن به سوژه‌بودن گذر می‌کند. آزادی، در نهایت، همان آگاهی از خویش به‌عنوان سوژه‌ای مستقل است.

«بلا» دقیقاً این مسیر را طی می‌کند. در آغاز، برای دیگری است: برای گادوین باکستر، برای مردان پیرامون، برای جامعه. اما از طریق تجربه‌ی رنج، لذت، سفر و مادری، به مرحله‌ای می‌رسد که خود را نه در نسبت با دیگری، بلکه به‌عنوان سوژه‌ای مستقل بازمی‌یابد. این فرایند، همان دیالکتیک هگلی است: گذر از «در خود بودن» به «برای خود بودن».

در پایان فیلم، «بلا» به معنای حقیقی کلمه آزاد می‌شود: آزادی نه در معنای رهایی سیاسی یا اجتماعی صرف، بلکه به‌مثابه خودآگاهی.

فرانکشتاین و جامعه‌ی هیولوار

فیلم به‌وضوح با *فرانکشتاین* مری شلی در گفت‌وگوست. در رمان شلی، هیولا محصول جامعه‌ای است که او را طرد می‌کند؛ او موجودی است که می‌خواهد پذیرفته شود، اما نفرت و طردشدگی او را به انتقام سوق می‌دهد.

در *Poor Things*، اما ورق برمی‌گردد. «بلا» هیولا نیست؛ او موجودی است که به زندگی بازگشته، اما جامعه می‌خواهد او را به ابژه‌ای مطیع فروبکاهد. هیولا در این روایت، خودِ جامعه است: جامعه‌ای مردسالار، دینی و قدرت‌محور که نمی‌تواند آزادی بدن زن را تاب بیاورد.

در این معنا، فیلم *لانتیموس* یک وارونگی مهم نسبت به *فرانکشتاین* ایجاد می‌کند: این بار هیولا نه فردی مطرود، بلکه نظمی است که می‌خواهد سوژه را مطرود سازد. بلا آینه‌ای است که هیولوارگی این نظم را عیان می‌کند.

سرانجام: آزادی به مثابه بازنویسی بدن و زبان

Poor Things در نگاه نخست شاید فیلمی خیال‌انگیز و فانتزی به نظر برسد؛ اما در لایه‌های زیرین، بیانی‌های فلسفی - فمینیستی است. فیلم نشان می‌دهد که بدن زن، آگاهی و تجربه‌ی زیسته، چگونه می‌توانند از ابژه‌بودن به سوژه‌شدن گذر کنند. کریستوا با مفهوم ابژکسیون، دوبووار با نقد دیگری‌بودن زن، باتلر با نظریه‌ی پرفورماتیویته، فوکو با تحلیل بدن و قدرت، و هگل با دیالکتیک خودآگاهی، همگی در خوانش این فیلم حضور دارند. لانتیموس در روایت بلا، درواقع این نظریه‌ها را به زبان سینما ترجمه کرده است.

آزادی در این فیلم نه شعاری انتزاعی، بلکه تجربه‌ای عینی است: بازپس‌گیری بدن از قدرت، بازنویسی زبان از دل میل و مادرانه، و بازآفرینی هویت از دل تجربه‌ی زیسته. «بلا» نشان می‌دهد که زن، در جهانی که می‌خواهد او را ابژه‌ی لذت یا مادری مطیع کند، می‌تواند سوژه‌ای آزاد باشد.

در نهایت، *Poor Things* بازخوانی مدرن فرانکشتاین است، اما با تفاوتی اساسی: هیولا، نه موجودی زشت و مطرود، بلکه جامعه‌ای است که در هیولوارگی خود می‌کوشد آزادی بدن و ذهن را انکار کند. در برابر این هیولا، تنها مقاومت ممکن است: مقاومت از خلال بدن، زبان و آگاهی. این همان چیزی است که «بلا» مجسم می‌کند؛ و همین است که فیلم را نه فقط اثری سینمایی، بلکه متنی فلسفی (امکان خوانش فلسفی) درباره‌ی آزادی در عصر ما می‌سازد.

پیوست: انقیاد، مردسالاری و دین ، سرمای‌داری و مالکیت

۱- یورگوس لانتیموس سفری هجوآمیز و تلخ به درون مناسبات مالکیت، سرمای‌داری و بدن است؛ «بلا» که همچون آزمایشی علمی باززاده می‌شود، در ابتدا همچون شیئی تحت تملک پروفیسور و سپس دیگر مردان پیرامونش تعریف می‌شود، اما در طول مسیر با تجربه‌ی عشق، میل، فقر و آزادی، بدن و وجود خویش را از وضعیت ابژه‌ی مصرفی بیرون می‌کشد و به سوژه‌ای خودمختار بدل می‌گردد. لانتیموس با ترکیب طنز سیاه، اروتیک و فانتزی گوتیک، نشان می‌دهد که چگونه بدن زن همواره

عرصه‌ی مالکیت و کنترل در سرمایه‌داری مردسالار است، اما همین بدن می‌تواند محل گسست، مقاومت و بازتعریف آزادی باشد.

۲- در فیلم، **شوهر «بلا»** (با یونیفرم نظامی و صلیب بر گردن) به‌نوعی تجسم **قدرت مردسالارانه - دینی - نظامی** است. او نماد ساختاری است که بدن زن را «ملک» می‌داند، نه سوژه. یونیفرم نظامی، خشونت عریان قدرت را تداعی می‌کند و صلیب، مشروعیت دینی برای این خشونت. در این جا لانتیموس به‌خوبی نشان می‌دهد که چگونه ساختار پدرسالار و مذهبی همواره در پی **انقیاد بدن زن** است؛ بدن به‌عنوان «ملک خدا» یا «ملک شوهر».

در برابر این ساختار، «بلا» قرار دارد: زنی که در آغاز شبیه «هیولا» یا «پیکره‌ای خام» به‌نظر می‌رسد، اما به‌تدریج در فرایند تجربه و زیستن، سوژه‌ای خودآیین می‌شود. او تجسم **امکان آزادی** در دل همان ساختاری است که می‌خواهد او را شیء کند.

۳- **سیب، لذت و آگاهی: صحنه‌ی «بلا» و سیب**، یکی از **کلیدی‌ترین موتیف‌های فیلم** است. سیب در روایت مسیحی/یهودی، نماد «گناه نخستین» است؛ خوردن آن توسط حوا باعث رانده‌شدن بشر از بهشت شد. اما در فیلم، بلا با سیب به **آگاهی و میل** می‌رسد. او نه‌تنها احساس گناه نمی‌کند، بلکه سیب را همچون دروازه‌ای برای ورود به جهان لذت و شناخت می‌فهمد.

اینجا لانتیموس روایت مسیحی را **وارونه می‌کند**: زن نه سرچشمه‌ی سقوط، بلکه سرچشمه‌ی آزادی است. خوردن سیب نه به معنای گناه، بلکه به معنای **حق بر بدن، لذت، و معرفت** است. «بلا» همان چیزی می‌شود که کریستوا از آن با عنوان **سوژه‌ای در حال شدن (subject-in-process)** یاد می‌کند: زنی که در زبان و بدن، هویت خود را می‌سازد.

۱. رمان *Poor Things* (۱۹۹۲) نوشته‌ی Alasdair Gray (Alastair James Gray) است؛ نویسنده، نقاش و روشنفکر پسامدرن اسکاتلندی. یورگوس لانتیموس در فیلم *Poor Things* (2023) اقتباسی آزاد از همین رمان ساخته است. البته فیلم به‌طور کامل به رمان وفادار نیست، بلکه روایت را به‌طور اساسی تغییر داده و در بسیاری جاها بُعد فلسفی و فمینیستی تازه‌ای به آن افزوده است.

منابع

(۱) منابع نظری و فلسفی

Foucault, Michel. *The History of Sexuality, Volume 1: An Introduction*. Vintage, 1990.

Foucault, Michel. *Discipline and Punish: The Birth of the Prison*. Vintage, 1995.

Butler, Judith. *Gender Trouble: Feminism and the Subversion of Identity*. Routledge, 1990.

Butler, Judith. *Bodies That Matter: On the Discursive Limits of Sex*. Routledge, 1993.

De Beauvoir, Simone. *The Second Sex*. Vintage, 2011 [1949]

Haraway, Donna. *A Cyborg Manifesto*. Routledge, 1991.

Kristeva, Julia. *Powers of Horror: An Essay on Abjection*. Columbia University Press, 1982.

Kristeva, Julia. *Revolution in Poetic Language*. Columbia University Press, 1984.

Irigaray, Luce. *This Sex Which Is Not One*. Cornell University Press, 1985.

(۲) منابع درباره‌ی فمینیسم

Moi, Toril. *Sexual/Textual Politics: Feminist Literary Theory*. Routledge, 2002.

Oliver, Kelly. *Reading Kristeva: Unraveling the Double-bind*. Indiana University Press, 1993.

Grosz, Elizabeth. *Volatile Bodies: Toward a Corporeal Feminism*. Indiana University Press, 1994.

Cixous, Hélène. *The Laugh of the Medusa*. Signs, 1976.

Fraser, Nancy, and Linda J. Nicholson. *Social Criticism without Philosophy: An Encounter between Feminism and Postmodernism*. Theory, Culture & Society, 1988.

۳) منابع درباره‌ی سینما و فیلم

Lanthimos, Yorgos (dir.). *Poor Things*. Searchlight Pictures, 2023.

McCormick, Richard W. *Gender and Sexuality in Modern German Cinema*. Indiana University Press, 2001.

Mulvey, Laura. *Visual and Other Pleasures*. Palgrave Macmillan, 2009.

Creed, Barbara. *The Monstrous-Feminine: Film, Feminism, Psychoanalysis*. Routledge, 1993.

Williams, Linda. *Film Bodies: Gender, Genre, and Excess*. Film Quarterly, 1991.

James, Caryn. "‘Poor Things’ Review: Emma Stone and Yorgos Lanthimos Create a Surreal Feminist Masterpiece." *BBC Culture*, Dec 2023.

Brody, Richard. "‘Poor Things’ Is a Monstrous Fairy Tale About Liberation." *The New Yorker*, Dec 2023.